



تریبون رسمی بسیج دانشجویی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران  
مدیر مسئول: علیرضا صفری / سردبیر: فرزاد علیپور  
سال چهاردهم / شماره یازدهم هفته دوم دی ماه



۹ دی یک نمونه‌ای بود از همان خصوصیتی که در خود  
انقلاب وجود داشت؛ یعنی مردم احساس وظیفه‌ی  
دینی کردند و دنبال این وظیفه، عمل صالح خودشان  
را انجام دادند. عمل صالح این بود که توی خیابان  
بیایند، نشان بدهند، بگویند مردم ایران اینند.



۱۳۹۰/۰۹/۲۱

## فهرست



تريون رسمي بسج  
دانشجویی دانشکده حقوق و  
علوم سیاسی دانشگاه تهران

مدیر مسئول: علیرضا صفری  
سردبیر: فرزاد علیپور  
صفحه آرا: محمد حسین سمائی



"ما را در فضای مجازی دنبال کنید"

باز هم آدرس غلط! | ۱

فراتر از فتنه! | ۳

پیش بینی درآمد یا مذاکره؟! | ۵

ادغام بانک ها، راه حل اقتصادی | ۷

دار مجازات! | ۹

در باب نزاع ابدی غرب و شرق | ۱۱

یک کربلای واقعی | ۱۳

کتاب شناسی | ۱۴





## باز هم آدرس غلط!

• رضا نیک نژاد - دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی

سخت گیر و با همدیگر مهربانند. اما تحریفیون، با کافران نرم خو و با آشنایان تندخو می باشند. این تندخویی آنان، باعث از دست رفتن اتحاد و نا هماهنگی‌ها در بین مجموعه‌ها شده است که در نهایت، زندگی و معیشت مردم را هدف رفته است. اخیراً رهبر انقلاب در دیداری که با خانواده شهید سلیمانی عزیز داشتند، نکاتی را به مسئولین کشور گوشزد کردند. ایشان فرمودند که رفع تحریم به دست دشمن است اما خنثی سازی آن به دست ماست. پس تمام تلاش خود را در خنثی سازی تحریم‌ها به کار بگیرید؛ چرا که اگر تحریم‌ها با توان داخلی بی اثر شوند، خود دشمن هم کم کم به بیهوده بودن کار خود پی می برد و در نتیجه جریان به سمت رفع تحریم‌ها سوق پیدا می کند. منتها لازمه تحقق این موضوع، قوی شدن است؛ آن هم در تمامی عرصه‌ها. البته ایشان در بین سخنان خود تأکید کردند که اگر بتوان تحریم‌ها را رفع کرد، یک ساعت هم نباید تأخیر بشود؛ البته

کوتاه اما عمیق، چگونگی رفتار ما را با کسانی که شیطان هستند، بیان می کند. حال ویژگی‌های این رفتار را، با طرح چند سوال، پاسخ می‌دهم. آیا شما حاضر هستید با شیطان صحبت کنید؟ آیا شما می‌خواهید با او مذاکره کنید؟ آیا شما خواستار برقراری رابطه با او هستید؟ آیا... این سوالات به روشنی نشان می دهند که هیچ انسان عاقلی در پی صحبت و مذاکره و ارتباط با شیطان نیست؛ بلکه عاقلان بر آنند تا این ابلیس لثیم را بر خاک بکوبند و او را نابود کنند. کسانی که دم از مذاکره با شیطان می زنند، یا واقعاً جاهل هستند و یا اینکه با چهره جهالت، روح خود را به شیطان فروخته و می خواهند اهداف او را محقق کنند. اینها همان مزدوران هستند. این در حالی است که خداوند در قرآن کریم، خطاب به بشریت (به ویژه مسلمانان) می فرماید: «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ». یعنی کسانی که با پیامبر و خدای او هستند، بر کافران

جریان تحریف سال‌هاست که هم در حوزه داخلی و هم در حوزه خارجی، در حال برهم زدن نظم سیاسی و ایجاد آشفتگی در افکار عمومی است. در واقع تحریفیون با استفاده از دستگاه استکبار داخلی و خارجی، خواهان رسیدن به اهداف پوچ خود هستند. اما خوشبختانه مردم ایران، با اتکا به ایمان خود و پایبندی به آرمان‌های اسلام و انقلاب، همواره نقشه آنان را برهم زده‌اند و آنان را ناکام گذاشته‌اند. البته این موضوع فقط به ملت ایران تعلق ندارد؛ بلکه هر ملت آزاده‌ای، اگر به خدا تکیه کند و علی (ع) گونه فکر کند و تصمیم بگیرد، قطعاً پیروز میدان است. حضرت امام (ره)، در همان اوایل انقلاب، استکبار را معرفی کردند و سیاست و خط مشی هر ملت آزاده‌ای را، برای مقابله با زورگویان بین المللی بیان کردند. آن امام عارف فرمودند: «آمریکا شیطان بزرگ است». در واقع ایشان با این چند کلمه ساده، جان مطلب را ادا کردند. این جمله



۴ سال است که تأخیر شده و قرار بود از سال ۹۵ تمامی تحریم ها به یک باره برداشته شود اما برداشته نشد که هیچ، بیشتر هم شد.

منظور رهبر انقلاب این است که اگر شرایط رفع تحریم موجود بود، به سرعت باید دست به کار شد؛ اما آیا شواهدی مبنی بر این موضوع، در نظام بین الملل دیده می شود؟ در این بین رسانه های اصلاح طلب، فرصت را مغتنم شمرده و با انتشار این سخن رهبری که (در رفع تحریم ها یک ساعت هم نباید تأخیر شود)، به دنبال آلوده کردن فضای سیاسی کشور بودند. متأسفانه این گروه هیچ وقت نخواستند که برجام ننگین را قبول کند بلکه بر برجام ننگین تأکید می کنند.

اینان به دنبال این هستند که نظر دولت را بر حاکمیت و جامعه تحمیل کنند و اینطور نشان دهند که همه مثل ما فکر می کنند. البته این حرکت آنان تازگی ندارد. دولت بنفش، در زمانی که به دنبال انعقاد برجام بود، سعی در این داشت که مسئولیت عواقب کار خود را، به حاکمیت جامعه مرتبط کند. اینگونه که اگر رهبری با برجام مخالفت کنند، راه پیشرفت کشور مسدود می شود. اگر هم ایشان با آن موافقت کنند، عواقب بد آن متعلق به رهبری است و ایشان باید پاسخگو باشند که چرا اجازه چنین کاری را را دادند؛ اما عواقب خوب آن متعلق به دولت و مکتب مذاکره است. اما رهبری برای روشن کردن واقعیت، فرمودند که به مذاکره با آمریکا «خوش بین» نیستیم. این لفظ تأثیر بسیار زیادی را برجای گذاشت و در واقع باعث شد که دولت نتواند خود را نسبت به برجام و عواقب آن، غیر مسئول نشان بدهد. در اینجا رهبری برای اینکه سعادت عمومی را تضمین کنند، چند نکته کلیدی را به مذاکره کنندگان گوشزد کردند. اول اینکه، در مقابل همه چیز از آنان تضمین بگیرید؛ چرا که اعتماد بی پشتوانه برابر است با تباهی. دوم اینکه، گام به گام با آنان قدم بردارید؛ یعنی یک قدم شما تعهدات را انجام دهید و در قدم دیگر آنان. موارد دیگری هم هست که رهبر انقلاب به طور کامل در سند صیانت آنها را توضیح داده اند. اما متأسفانه دولت، مطابق با سند صیانت جلو نرفت و در اقدامی غیر انسانی و ناعاقلانه، تمامی تعهدات خود را نسبت به آمریکای بد عهد و اروپاییان شرور، انجام داد. او با این کار، حتی باعث شگفت زدگی طرف مقابل هم شد. در آخر هم آمریکا از برجام خارج شد و اتفاقات بعدی رخ داد؛ که همه اینها نتیجه ای جز ضرر برای ملت ایران نداشت.

پس از این واقعه، دولت همواره به دنبال آن بود تا به شکلی بتواند برجام را روی کار بیاورد. جریان اصلاحات، در این زمینه تلاش های بسیاری کرد؛ اما راه به جایی نبرد. تا زمانی که رهبر انقلاب، در دیدار با خانواده شهید سلیمانی، آن جمله را بیان کردند. آنان با استفاده از آن جمله، علاوه بر اینکه می خواستند روح تازه ای به برجام بدهند، خواستار ایجاد راهی برای پیروزی در انتخابات ۱۴۰۰ هم بوشدند. اما چگونه؟ دولت یازدهم و دوازدهم، با توجه به شکست های پیاپی خود در زمینه اقتصاد، معیشت، روابط بین الملل و... برگ برنده ای در انتخابات نداشتند؛

پس باید راهی را پیدا می کردند. انتخابات آمریکا بهانه خوبی بود. در واقع آنان، با ترخیص کالا های ضروری از گمرک، در شب پیروزی بایدن، سعی بر این داشتند که بگویند، ترامپ انسان ابله ای است (که واقعا هم همین طور می باشد) و این ابله، باعث به سرانجام نرسیدن برجام رنگین بود؛ اما بایدن دموکرات، اینطور نیست و می توانیم با او، روابط را از سر بگیریم. لازمه این از سرگیری هم این است، که ۸ سال دیگر اصلاح طلبان بر سر کار باشند تا برجام محقق شود (یعنی ۸ سال دیگر توقف مملکت) متأسفانه این کار آنان، معیشت مردم را وابسته به مسائل امنیتی و سیاسی کرد؛ که البته این کار، از شیطانی ترین کارهاست. این در حالی است که رهبر فرزانه و حکیم انقلاب، بار ها در سخنان خود تأکید کردند که آمریکای اواما و ترامپ، هر دو با شما و ملت ایران، بدی کردند. اما قصه به این جا ختم نشد. آنان در تلاشی دیگر، سخنان رهبری درباره رفع تحریم ها را نیز، تحریف کردند تا به اهداف خود برسند. اما همانطور که رهبری فرمودند، کار تحریفیون، آدرس غلط دادن برای حل مشکل تحریم است. اصلاح طلبان با این کار نه تنها به مقاصد خود نرسیدند، بلکه باعث رسوایی بیشتر خود شدند...

به جز جریان داخل، جریان خارج هم به کرات در صنعت تحریف، کوشا و ساعی است. البته این موضوع آنچنان هم تعجب برانگیز نیست؛ چرا که حقوق سر ماه او، در گروهی اینگونه کارهاست. یعنی اگر نکند، خبری از پول نیست و فقیر می شود. در اینصورت کار او منطقی به نظر می رسد؛ ولی انجام این قبیل کارها از سوی جریان داخل، باعث طرح سوالاتی در ذهن انسان می شود؛ مثلاً اینکه با این کارها، چه اهداف شومی را در سر می پروراندند؟ و خیلی پرسش های دیگر.

در پایان باید بگویم که جریان استکبار در داخل و خارج، هر طور که شده کار خود را جلو می برد؛ اما مهم ترین کاری که ما باید بکنیم این است که با ایمان به خدا و اتکا به آرمان های شرافتمندانه اسلام و انقلاب و همچنین بهره گیری از مکتب شهید سلیمانی، نقشه مزدوران را بر هم بزنیم و بتوانیم همان راه ناب امام خمینی (ره) را ادامه دهیم. در آخر، خالی از لطف نیست که جمله طلایی آن بزرگوار را دوباره تکرار کنم؛ آمریکا شیطان بزرگ است.

# فرا تر از فتنه

● فاطمه بریمانی ورنی - دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی

قرار گرفته و در قالب اصحاب فتنه عملاً اهداف براندازان را دنبال می‌کردند. یکی از مواردی که در این حوزه به آن توجه بسیاری می‌شود، نقش چهره‌های شاخص فعال در انقلاب‌های رنگی دنیا در فتنه ۸۸ بود. جورج سوروس، سرمایه‌دار یهودی مجار الاصل آمریکایی از جمله این افراد است که تاکنون اخبار بسیاری درباره روابط نزدیک وی با محمد خاتمی منتشر شده است. در تازه‌ترین اظهارات اما این بار شبکه تلویزیونی فاکس نیوز وابسته به پنتاگون نقش سوروس در فتنه ۸۸ را تایید کرده، به گونه‌ای که یکی از فعالان رسانه‌ای آمریکا در یک برنامه تلویزیونی فاکس نیوز فاش کرد که جورج سوروس در جریان حوادث کشور ایران نقش موثری داشته است. به گزارش باشگاه خبرنگاران، «گلن بک» از چهره‌های محبوب رسانه‌های آمریکایی ضمن حضور در برنامه ویژه فاکس نیوز تصریح کرد که جورج

می‌بینید برای منافع خودشان آمده‌اند و آنقدرها هم که به نظر می‌آید معتقد و پایبند به نظام نیستند. از اینها بگذریم، ما که از همان اولش هم هر کاری کردیم به منفعت طلبی متهم بودیم. حداقل بگذارید بگوییم نه دی چه بود. ملت ایران در نهم دی ماه سال هشتاد و هشت در مقابل یک فتنه که نه، در مقابل یک انقلاب مخملی ایستادگی کردند. برخی اصل شکل‌گیری نهم دی ماه را واکنش هیئت‌های مذهبی به توهین معترضان نتیجه انتخابات به اعتقادشان می‌پنداشتند، اما با کمی ریزبینی درمی‌یابید که جنس اعتراضات سال هشتاد و هشت از جنس اعتراضات گرجستان و اوکراین بود.

فتنه ۸۸ به اعتقاد آگاهان یک توطئه نرم برای براندازی جمهوری اسلامی بود و در این راستا برخی افراد و چهره‌های داخلی دانسته یا ندانسته در این مسیر

همه چیز از صبح سرد نهم دی‌ماه شروع شد. سایتهای معترضان ادعا می‌کنند که حکومت برای کشاندن مردم به صحنه تظاهرات به کارمندان مرخصی داده است و دانش‌آموزان و سایرین را با اتوبوس به محل تظاهرات آورده و بلیط مترو را مجانی کرده و به توزیع غذای رایگان در میان راهپیمایان پرداخته است. یکی از شاهدین این تظاهرات به خبرنگار نیویورک تایمز گفته است که تظاهرکنندگان را با اتوبوس به این محل آورده و به آنها شیرکائو داده‌اند!

راستش را بخواهید از همان اولش هم همین‌طور بودند. از همان اول هم اگر کاری میکردیم که خلاف دودوتا چهارتای فرنگی‌ها بود، بادی به غیبتشان انداخته، کراواتشان را مرتب کرده و جلوی دوربین‌ها چشم در چشم ملت ایران، با غرور سرشان را بالا گرفته و اعلام میکردند که نگران نباشید، اینها که در خیابان‌ها





خفه شد. انقلابی که سالها قبل برای دقیقه دقیقه‌اش برنامه ریزی شده بود اما ملت همیشه در صحنه ایران مثل همیشه با پشتیبانی از ولی فقیه و حضور خودجوششان علیه هتک حرمت به اباعبدالله و تخریب شان ولایت با آن مقابله و بار دیگر تجدید میثاقی با آرمان های ولایت و نظام جمهوری اسلامی کردند.

سوروس، میلیاردر معروف آمریکایی در جریان حوادث کشوری چون ایران و میانمار نقش بسیاری داشته است. بر اساس این گزارش، یک در این برنامه مجدداً بر نقش سوروس به عنوان معمار انقلاب‌های رنگین در صربستان، اوکراین، گرجستان و قرقیزستان صحنه گذاشت. البته پیش از این اظهارات جورج سوروس، از معماران براندازی‌های مخملین در دنیا، درباره دیدارش با محمد خاتمی، موجب شد پس از آن تکذیبیه‌های همیشگی و پی در پی، یک آبروریزی تمام‌عیار برای خاتمی به‌وجود آورد. اظهارات سوروس درباره دیدارش با خاتمی به خوبی نشان می‌داد وی توصیه‌هایی را درباره ترویج رواداری از طریق تقویت فعالیت‌های اجتماعی به خاتمی کرده است. او همچنین گفته بود که خاتمی درباره پایان حکومت دینی در ایران با وی هم‌عقیده است. این اظهارات سوروس در حالی بود که پیش از آن محمد خاتمی در چند نوبت دیدارش با سوروس را تکذیب و مخالفانش را به دروغ‌پردازی متهم کرده بود.

حتی یکی از سایت‌های صهیونیستی - آمریکایی نیز از دیدار خاتمی با جورج سوروس خبر داده بود. پایگاه خبری نیوزمکس این چنین از دیدار خاتمی با جورج سوروس را که طی یک شام خصوصی صورت گرفته خبر می‌دهد: «جورج سوروس، این هفته در بوستون در یک شام خصوصی با محمد خاتمی، رئیس‌جمهور سابق ایران، یک «معامله بزرگ» را مورد بحث قرار داد؛ این خبر را پنجشنبه، منابع متعددی به نیوزمکس گفتند. گفتنی است که این اخبار دیگر جایی برای تکذیب کردن خاتمی باقی نمی‌گذارد. آنقدر اسناد و مدارک موجود، متقن هستند که دیگر جایی برای شک کردن هم باقی نمی‌گذارند. راهپیمایی روز نهم دی ماه سال هزار و سیصد هشتاد و هشت مقابله و مقاومتی در مقابل انقلابی رنگی بوده که سالها قبل پدر انقلاب های رنگی با بودجه ای کلان آن را برنامه ریزی کرده بود.

به راستی که میان نه دی و روزهای دیگر تاریخ، تفاوت‌های آشکاری وجود دارد. عموم روزهای تاریخی ملت‌ها به فراخور عقاید مذهبی و سیاسی شکل می‌گیرند، اما حضور مردم ایران در ۹ دی ماه به معنی دفاع از هیچ حزب، گروه و جناحی نبود و شاهد حضور خالص مردم بدون هیچ چشم‌داشتی بودیم.

در کنار این مسئله باید این نکته مدنظر قرار گیرد که در نهم دی ماه کسی برای حمایت از دولت وارد میدان نشد و در دست هیچ فردی تصویری از رئیس‌جمهوری نبود؛ این‌بار خروش مردم خالصانه برای دفاع از هویت نظام جمهوری اسلامی و دفاع از ولایت فقیه بود و اگر از زاویه دیگر به این رویداد تاریخی توجه شود شعارهای ۹ دی، شعارهای همیشگی و کلیشه‌ای نبود، شعارهای جدیدی بود که از پیوند عشق به ولایت، عاشورا، انقلاب و نفرت از دشمنان حریم ولایت به دست آمده بود و این نشان از اعتقادات سیاسی مذهبی مردم کشور داشت.

فارغ از همه هیجانات سیاسی نباید این مسأله نادیده گرفته شود اتفاقی که در این روز افتاد نشانه اعتماد مردم به نظام جمهوری اسلامی بود، در حالی که بسیاری از خواص، نخبگان و مثلاً دلسوزان ادعا داشتند اعتماد مردم به نظام از بین رفته است، اما در عمل ثابت شد بعد از گذشت بیش از ۳۰ سال از انقلاب اسلامی همچنان مردم پایبند به اصول اولیه انقلاب سال ۵۷ هستند.

از بعدی دیگر، این روز با حضور میلیونی مردم ایران در خیابان‌ها در اوج فضا سازی دشمنان خارجی و داخلی، مسیری بی‌بازگشت به دشمنان این کشور نشان داد که در معادلات آینده سیاسی دشمنان ایران تأثیر جدی داشت و همچنان در هفتمین سالگرد این اتفاق شاهد اثرات آن حضور هستیم.

نهم دی ماه انقلاب نرمی بود که با پاسخ سخت مردم بصیر کشورمان در نطفه



بودجه

لایحه بودجه!

# پیش بینی در آمد یا مذاکره!؟

• محمد مهدی دستجانی فراهانی - دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی



آخرین لایحه بودجه تنظیم شده از سوی دولت دوازدهم جمهوری اسلامی ایران، در روز ۱۳۹۹/۹/۱۲، از سوی معاون پارلمانی نهاد ریاست جمهوری به هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی تقدیم شد. این بودجه، بدون حضور رئیس جمهور یا معاون اول وی و یا حتی رئیس سازمان برنامه و بودجه، تحویل داده شد و عدم آمادگی برای دفاع از آن از سوی دولت، مورد انتقاد نمایندگان قرار گرفته است.

این لایحه، با رقم ۲۴۳۵ هزار و ۷۰۷ میلیارد تومان بسته شد. منابع عمومی شامل درآمدها، واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای و واگذاری دارایی‌هایی مالی است که بدین ترتیب ۳۱۷ هزار ۵۹۵ میلیارد تومان از محل درآمدها، ۲۲۵ هزار میلیارد تومان از محل واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای و ۲۹۸ هزار ۴۷۴ میلیارد تومان پیش بینی شد. مطابق آمار، منابع عمومی در لایحه بودجه ۱۴۰۰ در مقایسه با قانون بودجه امسال، حدود ۲۷۰ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است. پس از تقدیم لایحه بودجه به مجلس شورای اسلامی و انتشار ماده واحده آن، نظرات و واکنش‌های انتقادی از سوی نمایندگان مجلس، کارشناسان و متخصصان نسبت به آن صورت گرفت که «عدم همخوانی با واقعیت» نقطه برجسته‌ای در رأس این اعتراض‌ها می‌باشد. بسیاری از کارشناسان اقتصادی و مراکز پژوهشی و نظارتی - از جمله مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و دیوان محاسبات کشور - فرض چنین ارقامی را نادرست دانسته‌اند و معتقدند این مفروضات منجر به کسری بودجه و در نهایت تشدید تورم می‌شود.

این انتقادات در بخش پیش بینی درآمدهای نفتی نیز بسیار پُرنگ می‌باشد. مطابق نظر کارشناسان و صاحب نظران از جمله نمایندگان مجلس شورای اسلامی - در قبال پیش فروش نفت ایران و درآمد حاصل از آن، لایحه بودجه سال آینده به صورت غیرواقعی و تورم‌زا تهیه شده است. مطابق گزارش دفتر مطالعات مالی عمومی و توسعه مدیریت عمومی مرکز پژوهش‌های مجلس، در لایحه بودجه منابع حاصل از صادرات نفت بیشتر برآورد گشته و وابستگی بودجه به نفت به ۳۰ درصد (با در

نظر گرفتن پیش‌فروش نفت) افزایش یافته است! در لایحه بودجه، میزان صادرات نفت، گاز و میعانات ۲/۳ میلیون بشکه در روز و نرخ فروش آنان را ۱۹۹ هزار میلیارد تومان پیش بینی شده است که با ارقام محاسباتی هر بشکه نفت خام ۴۰ دلاری، نرخ بندی ۱۱۵۰۰ تومانی منظور کرده است. بررسی لایحه حاکی از آن است که در پیش‌بینی

### نظرات و واکنش‌های انتقادی از سوی نمایندگان مجلس، کارشناسان و متخصصان نسبت به آن صورت گرفت که «عدم همخوانی با واقعیت» نقطه برجسته‌ای در رأس این اعتراض‌ها می‌باشد.

منابع حاصل از صادرات نفت، استقراض از صندوق توسعه ملی و فروش اوراق پیش‌فروش نفت، بیش‌برآوری منابع صورت گرفته است.

بررسی‌های کارشناسی نشان می‌دهد که به‌دلیل برآورد بیش از واقع منابع حاصل از صادرات نفت - حتی با فرض فروش کامل اوراق در نظر گرفته شده در بودجه - حدود ۳۲۰ هزار میلیارد تومان کسری تأمین نشده برای پوشش مخارج بودجه وجود خواهد داشت. بدین ترتیب، پیش‌بینی درآمد‌های موهوم و غیرقابل تحقق صرفاً برای تراز کردن بودجه، منجر به کسری بودجه شده و رشد غیرقابل توجیه هزینه‌ها - بدون توجه به بودجه‌ریزی عملیاتی - مشاهده می‌شود. اما این خوشبینی بیش از اندازه نسبت به صادرات درآمدزای نفت، ناشی از ترسیم یک فضای بدون تحریم اقتصادی از سوی ایالات متحده آمریکا و گسترده برای فروش تمام جانبه نفت و میعانات به کشورهای متقاضی است؛ فضایی که تحقق آن تنها در سلسله مذاکرات با اروپا و آمریکا پنداشته می‌شود. پس در این میان، ماده واحده بودجه به عنوان مقدمه ایجاد فضای محدودیت ایران بسته خواهد شد تا پس از ایجاد تورم بسیار زیاد، کسری بودجه، اختلال در فروش نفت و دیگر مشکلات اقتصادی، تنها راه رفع تحریم‌های اقتصادی از بدون نگاه به منابع سرشار

داخل کشور از مذاکره با کشورهای اروپایی و آمریکا تلقی شود؛ راهی که تجربه تلخی را در این سالیان به دنبال داشته، اما انکار تلخی آن تثبیت نشده است! پس کیفیت پیش بینی درآمد نفت در بودجه سال ۱۴۰۰، گویا واکنشی مثبت به آمریکا و اروپا خواهد بود که عملاً حاکی از آن است که تحریم‌های اقتصادی علیه ایران تأثیر داشته و می‌توان ایران را در موضع ضعف قرار داد.

از تاریخ ۱۳۹۹/۱۰/۶، با همکاری سازمان برنامه و بودجه کشور و مجلس شورای اسلامی، بررسی‌های این لایحه به صورت رسمی آغاز می‌گردد. به علت آثار تورم‌زای بودجه، لازم است مجلس شورای اسلامی در رابطه با آن تصمیم‌گیری کند. تصمیم‌گیری مجلس به صورت رد کلیات یا انجام اصلاحات در فرایند بررسی لایحه خواهد بود. بررسی تجربه سال‌های اخیر، نشان می‌دهد رویکرد تأیید کلیات و انجام اصلاحات در فرایند بررسی لایحه عملاً نتیجه بخش نخواهد بود. ریشه این امر نیز در آن است که انجام اصلاحات (که عمدتاً از جنس کاهش هزینه‌های دولت و افزایش درآمدهاست) می‌تواند دارای هزینه‌های سیاسی باشد که به خصوص در صورت عدم همراهی دولت، عملاً در تصمیم‌گیری حول این محورها، مجلس را با چالش جدی مواجه می‌کند. حال باید دید که با وجود ایرادات فنی فراوان موجود در لایحه، آیا مجلس تصمیم‌اساسی در این رابطه خواهد گرفت یا روند سال‌های اخیر مجدداً تکرار خواهد شد.





# در مسیر اصلاح!

● فرزانه جعفری - دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی

مدتی است در کنار طرح اصلاح قانون انتخابات مجلس که بارها به شکل های مختلف مطرح و در نهایت به دلیل ایراداتی توسط شورای نگهبان رد شده است، طرح اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری نیز به عنوان مطالبه ای مهم و اساسی در نظام جمهوری کشور بیان شده است چرا که قوانین انتخابات ریاست جمهوری، مجلس و شوراها دارای اشکالات متعددی است. به همین دلیل اصلاح آن‌ها جزو اولویت‌های اصلی محسوب می‌شود؛ لذا مجلس باید در تعامل با وزارت کشور و شورای نگهبان با برگزاری جلسات منظم، برای اصلاح این قوانین اقدام کند.

از همین رو دولت برای رفع ایرادات قانون انتخابات ریاست جمهوری، لایحه جامع انتخابات را در بهمن ۹۷ با قید دو فوریت به مجلس دهم ارائه کرد که البته این لایحه هرگز در صحن پارلمان بررسی نشد، در نهایت نیز نتیجه مشخصی نداشت. مجلس دهم البته در آخرین روزهای کاری اش، طرح اصلاح قانون انتخابات را بررسی کرد که شورای نگهبان با طرح ایرادات فراوان، آن را به مجلس برای رفع اشکالات ارجاع داد، اما عمر مجلس دهم به بررسی این ایرادات نرسید. سرانجام با شروع مجلس یازدهم مجدداً دولت از نمایندگان تازه نفس خواست بررسی لایحه جامع انتخابات را هر چه سریع تر در دستور کار قرار دهند تا در انتخابات ۱۴۰۰ اجرایی شود. این لایحه در مرداد ماه امسال در صحن علنی مجلس اعلام وصول شد و به منظور بررسی جزئیات آن به کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور ارجاع داده شد. اما پس از انتشار متن طرح اولیه قانون اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری، انتقادات زیادی نسبت به مفاد آن مطرح شد و بسیاری از نمایندگان ملت بر اصلاح جزئیات این طرح تاکید نمودند. پس از آن طرح اصلاح شده در جلسه علنی روز

۲۷ مهرماه اعلام وصول شد و در یازدهم آبان در دستور کار مجلس قرار گرفت و نمایندگان مجلس با کلیات طرح اصلاح مفادی از قانون انتخابات ریاست جمهوری موافقت کردند و در نهایت نیز در هفته اخیر در جلسه علنی چهارشنبه ۳ دی مجلس شورای اسلامی اصلاح جزئیات آن در دستور کار قرار گرفت. طبق اعلام وزارت کشور، لایحه جامع انتخابات با همکاری دولت، مجلس، مرکز پژوهش‌ها و کارشناسان شورای نگهبان آماده شده که می‌تواند کاستی‌های قوانین انتخاباتی را رفع کند؛ از جمله نکات مثبت آن، توجه به شفافیت هزینه‌های انتخاباتی، برگزاری انتخابات الکترونیک و تدوین مجازات متناسب با جرایم انتخاباتی و تجمیع قانون انتخابات ریاست جمهوری، مجلس و شورای شهر روستاست. اما کارشناسان معتقدند این طرح نیز نقاط ضعف بسیاری دارد و شاید تنها نقطه مثبت و قابل اتکای این طرح تعیین محدوددهی سنی و درجه‌ی خاصی از تحصیلات برای ثبت نام کنندگان ریاست جمهوری باشد زیرا چنین محدودیت‌هایی برای متقاضیان نمایندگی مجلس نیز وجود دارد و با این محدودیت‌هایی که در طرح اصلاح قانون ریاست جمهوری برای ثبت نام داوطلبان ایجاد شده، شاهد ثبت نام گسترده افراد نیستیم تا رد صلاحیت آن‌ها توسط شورای نگهبان برای نظام، هزینه‌ای ایجاد کند. البته همین نقطه مثبت نیز با مخالفت‌هایی از سوی چند تن از نمایندگان در مورد بالا بودن حداقل سن و یا سال‌های حضور در مناصب عالی رو به رو شده است.

به طور کلی هم اکنون جزئیات طرح اصلاح قانون انتخابات با تمام انتقادهایی که درباره مصوبات اخیر این طرح از جمله؛ محدودیت سنی، شرط نداشتن تابعیت، ثبت نام نظامیان، تعیین معیارهای رجال مذهبی و سیاسی و... وجود دارد در حال تصویب و

الحاق بخش‌هایی به ماده‌های مختلف و سرانجام تدوین و تکمیل است تا بتواند برای انتخابات ریاست جمهوری پیش رو به اجرا در آید، هر چند برخی معتقدند ممکن است این طرح به انتخابات ۱۴۰۰ نیز نرسد اما همین در دستور کار قرار گرفتن طرحی که مدت‌ها مورد مطالبه نخبگان جامعه بوده است اتفاق مثبتی است که در مجلس یازدهم رخ داده است ولی ما باز هم توقع خیلی بیشتری از مجلسی که انقلابی نامگذاری شده است، داریم؛ که در این اصلاحات فارغ از هرگونه منافع شخصی و حزبی در جهت ملی و منفعت ملت ایران تصمیم‌گیری کند و به تدریج در جهت رشد شایسته‌ی سالاری در جمهوری اسلامی قدم بردارد تا شاهد حضور هرچه بیشتر جوانان با انگیزه و متخصص در سطوح مختلف کشور به ویژه مناصب مهم سیاسی و به طور کل دولت جوان حزب‌اللهی باشیم.



# ادغام بانک‌ها، راه حل اقتصادی

• سعید باقری - دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق مالی

دهه هشتاد شمسی، دهه ظهور و بروز موسسات مالی و اعتباری و بانک‌های خصوصی در فضای اقتصادی ایران بود. به دلایل متعددی از جمله رشد اقتصادی مثبت، تسهیل فضای سرمایه‌گذاری و تجارت، توسعه اقتصادی در بخش‌های مختلف بخصوص بعد از روی کار آمدن دولت نهم، تشکیل موسسات مالی و اعتباری و بانک‌های خصوصی تسهیل و سرعت بیشتری یافت. همچنین با توجه به تصویب و اجرای قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در سال ۱۳۸۷ و اولویت خصوصی سازی این روند تشدید شد و هر روز شاهد تاسیس و راه اندازی بانک‌ها و موسسات مالی جدید بودیم.

نهادهای نظامی ایران فعالیت‌های مالی خود در دو بخش گردش وجوه بودجه و فعالیت‌های اقتصادی موسسات و شرکت‌های زیر مجموعه را در بانک سپه متمرکز کرده بودند. لیکن برخی از نهادها نیز موسسات قرض الحسنه و یا صندوق‌هایی را از سال‌ها پیش تاسیس نموده بودند که فعالیت‌های آنها منحصر در ارائه تسهیلات قرض الحسنه به کارکنان خود بود، مانند صندوق انصار المجاهدین یا موسسه بسیجیان.

توسعه فعالیت‌های مالی و اقتصادی و مشارکت بیشتر در حوزه‌های اقتصادی و همچنین ارائه خدمات بانکی به عموم مردم موجب شد، موسسه اعتباری کوثر در سال ۱۳۸۸، بانک انصار و بانک حکمت ایرانیان در سال ۱۳۸۹، بانک قوامین و بانک مهر اقتصاد در سال ۱۳۹۱ تاسیس شدند و سپس فعالیت‌های خود در حوزه بانکی را افزایش داده و با سرعت قابل توجهی رشد نمودند.

افزایش بی‌رویه تعداد بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری در کشور در آن مقطع زمانی، رقابت در حوزه بانکداری را سخت‌تر کرده بود، به نحوی که بانک‌ها برای جذب سرمایه بیشتر به افزایش سودهای بانکی روی آوردند. یکی

از دلایلی که این بانک‌ها را بعداً با مشکلاتی مواجه ساخت، همین امر بود. افزایش بی‌رویه ارائه تسهیلات بانکی و عدم وصول مطالبات، اعمال تحریم‌ها، تورم افسار گسیخته و رکود اقتصادی در سال‌های اخیر، از دیگر دلایل و موانع فعالیت بانک‌های نظامی بود. همچنین عدم تطبیق و به‌روزرسانی این بانک‌ها با فعالیت‌ها و خدمات به‌روز بانکی مثل بانکداری الکترونیکی موجب شد تعداد شعب و کارکنان زیاد، این بانک‌ها را با مشکل عدم چابکی و بهره‌وری همراه سازد.

همه این عوامل موجب شد بانک‌های نظامی در آستانه ورشکستگی قرار بگیرند. ورشکستگی یک و یا تعدادی از بانک‌ها می‌تواند باعث اختلال در کل نظام اقتصادی، صنایع و بازار مالی گردد که عواقب اجتماعی سیاسی و امنیتی در کشور را به دنبال خواهد داشت. یکی از راهکارهای اصلی حقوقی و اقتصادی برای پیشگیری از ورشکستگی بانک‌ها که در شرایط بحران‌های مالی در دنیا تجربه شده است ادغام است.

از سال ۱۹۹۰ تاکنون بیش از ۱۲۰ ادغام در نظام بانکی آمریکا اتفاق افتاده است که بیشترین آنها در دوره رکود اقتصادی یعنی در دو بحران سالهای ۱۹۹۸ و ۲۰۰۸ بوده است به طوری که در سالهای ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ شاهد ۱۶ ادغام بانکی به ارزش ۸۰ میلیارد دلار در آمریکا بوده‌ایم. این تجربه در کشورهای دیگر مانند ژاپن، هند، یونان و... هم با نتایج مثبتی همراه بوده است.

از منظر حقوقی، ادغام یک عمل حقوقی است که هر چند در قانون تجارت ایران بحث ادغام به طور صریح مورد حکم قرار نگرفته است ولی در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ادغام به صورت صریح پیشبینی شده و حتی ادغام‌های ممنوع نیز معرفی شده‌اند. همچنین در برنامه ششم توسعه مصوب ۱۳۹۶ و قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۹۵ نیز ادغام پیش

بینی شده و اختیارات و وظایف ویژه‌ای در این خصوص به بانک مرکزی به عنوان مقام ناظر و حاکمیتی واگذار شده است.

متولی و مرجع صدور مجوز ادغام بانک‌ها، بانک مرکزی است لیکن به دلیل وابستگی این بانک‌ها به نهادهای نظامی، ادغام بانک‌های نظامی به فرمانده کل قوا پیشنهاد و ایشان با این امر موافقت نمودند و بانک مرکزی با هماهنگی کامل بانک‌های نظامی، ادغام آن‌ها را در بانک سپه شروع کرد. به عقیده اغلب کارشناسان حوزه اقتصاد و بانکداری، ادغام بانک‌های نظامی با موفقیت و بدون کمترین مشکل و آسیبی انجام شده است.

مهمترین هدف ادغام بانک‌های نظامی جلوگیری از ورشکستگی، افزایش کارایی، افزایش توان عملیاتی و توان مالی می‌باشد. ادغام بانک‌های نظامی آثار و نتایج مهمی نیز در پی خواهد داشت که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

افزایش نظارت بانک مرکزی بر بانک‌ها، کاهش هزینه‌ها و صرفه‌جویی در منابع، چابکی سازمان، حذف کارکنان مازاد بانک‌ها، حذف شعب فیزیکی مازاد، مدیریت یکپارچه و منظم، افزایش سرمایه بانک ادغام‌پذیر، افزایش قدرت تامین مالی، افزایش کارایی نهادهای مالی، استفاده از مزایای مالیاتی، تقویت نسبت کفایت سرمایه بانک نهایی، افزایش ثروت سهامداران، ارتقاء توان مدیریتی بانک‌ها، رشد سازمان و ایجاد تمرکز در مراکز تصمیم‌گیری بانک‌ها، افزایش اعتماد عمومی، به‌روز رسانی خدمات بانکی و ارائه خدمات نوین و افزایش توان رقابت‌پذیری بانک نهایی.

با عنایت به مزایای ادغام بانک‌ها، و همچنین تجربه موفق ادغام بانک‌های نظامی، بانک مرکزی می‌تواند ادغام برخی دیگر از بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری را در دستور کار خود قرار دهد تا به افزایش کارایی نظام بانکی و پویایی بخش مالی منجر گردد.



روح الله زم

▲ بررسی حقوقی اتهامات و حکم نهایی روح الله زم؛

# دار مجازات!

● محدثه جوادی - دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه الزهرا (س)



روح الله زم فرزند محمدعلی زم خبرنگار و فعال سیاسی و موسس سایت و کانال تلگرامی آمد نیوز بود. او سال ۸۸ پس از اغتشاشات آن سال توسط وزارت اطلاعات دستگیر شد و بعد از آزادی از کشور خارج شد و ابتدا به مالزی و بعد ترکیه و سپس به فرانسه گریخت. وی در فرانسه بود که سایت و کانال تلگرامی آمدنیوز را تاسیس کرد و همین کانال در اعتراضات دی ماه ۹۶ باعث تحریک مردم برای برهم زدن امنیت داخلی کشور شد و همچنین مردم را به درگیری با نیروهای نظامی و انتظامی سوق داد که در همین جریانها باعث کشته شدن تعدادی از هموطنان گردید.

او در ۲۲ مهر ۹۸ توسط سپاه پاسداران بازداشت و به ایران منتقل شد. از جمله اتهامات زم که در یکی از جلسات دادگاهش به آن اقرار کرده بود اعلام عملیات سوریه و تردهای حاج قاسم سلیمانی به سرویس های جاسوسی و همچنین ارسال لیست دور زندگان تحریم ها و افسر سیا میباشد، همچنین یکی دیگر از اتهامات زم توهین به مقدسات اسلام است که زم در این راستا با کنگره ملی ایران همکاری می کرده و در این مورد ۲۲۲۷ پست منتشر کرده است که طبق ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی هر کس به مقدسات اسلام و هر یک از انبیا عظام یا ائمه طاهری یا حضرت صدیقه طاهره اهانت نماید اگر مشمول حکم سائب النبی باشد اعدام می شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد. همچنین یکی دیگر از اتهامات زم اهانت به حضرت امام خمینی و حضرت آیت الله خامنه ای است که طبق ماده ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی هر کس به حضرت امام خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی رضوان الله علیه و مقام معظم رهبری به نحوی از انحاء اهانت نماید به حبس از ۶ ماه تا ۲ سال محکوم خواهد شد، که طبق این ماده این اتهام از زم جزو افساد فی الارض محسوب نمی شود.

اولین جلسه دادگاه زم در ۲۱ بهمن ۹۸ به ریاست قاضی صلواتی برگزار شد که در این جلسه کیفرخواست اتهامات روح الله زم ذکر شد که شامل ۱۷ بند ذیل می باشد:

- ۱- افساد فی الارض
- ۲- تشکیل و اداره کانال معاند آمدنیوز و صدای مردم با هدف برهم زدن امنیت کشور
- ۳- جاسوسی به نفع سرویس اطلاعاتی اسرائیل به واسطه سرویس اطلاعاتی یکی از کشورهای منطقه

۴- جاسوسی به نفع سرویس اطلاعاتی کشور فرانسه

۵- همکاری با دولت متخاصم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران

۶- اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور

۷- مشارکت در فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران و به نفع گروهها و سازمانهای مخالف نظام به طور گسترده

۸- عضویت و مدیریت پایگاه خبری معاند سحام نیوز با هدف برهم زدن امنیت کشور

۹- مشارکت در اغوا و تحریک مردم به جنگ و کشتار به قصد برهم زدن امنیت کشور

۱۰- مشارکت در جمع آوری اطلاعات طبقه بندی شده به قصد ارائه به دیگران با هدف برهم زدن امنیت کشور

۱۱- مشارکت در نشر اکاذیب به طور گسترده

۱۲- تحریک موثر نیروهای رزمنده و اشخاصی که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی

۱۳- توهین به مقدسات اسلام

۱۴- توهین به امام خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران (رضوان الله علیه) و مقام معظم رهبری (حفظه الله)

۱۵- توهین به مقامات و مأمورین در حال انجام وظیفه یا به سبب آن

۱۶- تحصیل مال از طریق نامشروع جمعاً به میزان ۹۷ هزار و ۵۵۰ یورو

۱۷- شکایت برخی اشخاص حقوقی و حقیقی سیزده مورد از این هفده مورد اتهام زم،

افساد فی الارض شناخته شد. اصطلاح افساد فی الارض از سال ۹۲ وارد قانون مجازات اسلامی و به عنوان جرم مستقل شناخته شد. ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۹۲ این اصطلاح را

اینگونه تعریف می کند: هر کس به طور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، نشر اکاذیب و اخلاص در نظام اقتصادی کشور، احراق و

تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در

آنها گردد به گونه ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت

عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی یا سبب اشاعه فساد و فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام

محکوم می گردد.

قانون مجازات افساد فی الارض اعدام است

مگر این که طبق تبصره همین ماده، دادگاه از مجموعه ادله و شواهد، قصد اختلال گسترده در نظم عمومی یا ایجاد ناامنی و ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد را در حد وسیع و یا علم موثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرمی ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگر نباشد، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج و شش محکوم می شود. در دهم تیرماه ۹۹ غلامحسین اسماعیلی از

صدر حکم اعدام روح الله زم خبر داد تا اینکه ۱۰ آذر ۹۹ حکم وی توسط دیوان عالی کشور مورد تایید قرار گرفت و در شامگاه ۲۲ آذر ۹۹ اجرا شد. اعدام زم بازتابهای گسترده ای را داشت از جمله وزارت امور خارجه فرانسه که بیانیه تندی را منتشر کرد و اعدام زم را اقدامی وحشیانه و غیر قابل قبول خواند و آن را به مثابه حمله به آزادی بیان دانست و اعلام کرد اعدام زم بر خلاف قوانین بین المللی است و فرانسه مخالفت همیشگی خود با حکم اعدام را در هر شرایطی آشکار کرده است. ولی آیا واقعاً آنان به این دلیل اعدام زم را محکوم می کنند یا چون زم یکی از اعضای اطلاعات ایشان بوده و پناهنده فرانسه شده و برای سرویس اطلاعاتی فرانسه جاسوسی می کرده است و اکنون فرانسه یکی از جاسوسان خود را از دست داده است، وزیر امور خارجه فرانسه اعدام زم را حمله به آزادی بیان می داند. پس چرا در اعتراضات جلیقه زردها در نوامبر ۲۰۱۸ از گاز اشک آور و ماشین های آب پاش استفاده کردند؟ پس آزادی بیان تنها حربه ای در دست آنان است هر جا به نفعشان باشند از آن استفاده می کنند و جایی که به ضررشان باشند آن را نادیده می گیرند.

همچنین وزیر امور خارجه فرانسه اعلام می کند اعدام زم بر خلاف قوانین بین المللی است اما نکته ای که وجود دارد این است که به طور کل این گونه اظهارات رسمی کشورهای مختلف طبق ماده ۲ منشور ملل متحد (هیچ کشوری نباید در امور داخلی کشور دیگری دخالت کند و اصل بر عدم مداخله است) نوعی دخالت در امور داخلی ایران محسوب می شود.



## در باب نزاع ابدی شرق و غرب

• امیرحسین کاشانی نیا - دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی

آن سرزمین است پدرشان هادی را زیارت می‌کنند. هادی به آن‌ها می‌گوید برای رهایی ابدی و بریدن از تمامی بندهای دنیوی باید بار دیگر به زندان قیروان بروند. تمثیل موجود در این قصه بسیار مهم است، شرق و غرب عرفانی به طرز لطیفی با شرق و غرب جغرافیایی تناظر دارند! همانطور که در داستان برادران در قیروان، واقع در کشور تونس که غربی‌ترین نقطه جهان اسلام است گرفتار می‌شوند و برای دیدار پدرشان راهی «یمن» در شرق می‌شوند (نام پدرشان هادی ابن الخیر یمانی است). به طور کلی به طرز شگفت‌انگیزی کشورهای شرقی همیشه بیش از کشورهای غربی به حکمت‌های اشرافی تمایل داشتند. گویی طلوع خورشید نه تنها در جغرافیا بلکه در عالم تفکر نیز از جانب شرق بوده است. باتوجه به نکات گفته شده باید توجه داشت آنچه کشوری را «غربی» یا «شرقی» می‌کند نه صرفا

سخن می‌گوید. در نظر شیخ، خداوند نورالانوار است که هر دم افاضه فیض (نور) می‌کند. هرچه از خورشید وجود حق دورتر می‌شویم درواقع به «غرب» که عالم ماده است نزدیک‌تر شده‌ایم. انسان درواقع مسافری است که از «غرب» (عالم ماده) به سوی «شرق» (عالم نور) می‌رود. سهرودی در رساله «القصه الغربیه الغریبه» حکایتی را بازگو می‌کند که دو برادر در سفر به سوی غرب در سرزمین «قیروان» به چاه افکنده می‌شوند و به زندان می‌افتند؛ در شبی مهتابی هدهدی از جانب شرق به سوی آن‌ها می‌آید و از زبان پدرشان «هادی» نوید آزادی می‌دهد. پدر می‌گوید برای آزادی باید راهی سفری خطرناک و مردافکن شوند. برادران با مشقت بسیار راهی این سفر می‌شوند و در پایان به سرزمینی می‌رسند که در آن اجرام علوی قرار دارند و «چشمه زندگانی» می‌جوشد. در بالای کوهی که در

پس از رأی آوردن جو بایدن، نماینده حزب دموکرات، در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا مدتی است که شاهد جان گرفتن دوباره گفتمان مذاکره از درون خاکسترهای برجام هستیم. گفتمانی که سال‌هاست در دولت‌های گوناگون در تلاش بوده است تا به طرحی آشتی‌بخش از روابط ایران و غرب دست یابد. هدف این یادداشت رد این گفتمان یا تخطئه کلیت مذاکره نیست بلکه در پی روشن کردن نزاعی است که در بسیاری از مواقع توسط سیاستمداران، در زیر مطالع سیاسی و اقتصادی، آگاهانه و یا از سر جهل نادیده گرفته می‌شود: «نزاع ابدی شرق و غرب!» منظور از شرق و غرب در این عبارت شرق و غرب جغرافیایی نیست، بلکه شرق و غرب عرفانی است! شیخ شهاب‌الدین سهرودی شاید نخستین کسی باشد که در سنت فلسفه اسلامی از شرق و غرب عرفانی



موقعیت جغرافیایی آن بلکه طرحی است که از عالم و هستی ارائه می‌کند، به همین دلیل کشوری می‌تواند در غرب باشد ولی شرقی بیاندیشد یا برعکس (البته همانطور که گفتیم به نحو جالب توجهی معمولا این دو باهم تناظر دارند). طرحی که شرق از هستی ارائه می‌کند کاملا در تضاد با طرح غربی است. در حکمت‌های شرقی نظیر چین، هند، ایران و... انسان با نگرشی اشراقی در صلح با طبیعت و نظام هستی زیست می‌کند در حالی که فلسفه غرب مخصوصا پس از رنسانس با محور قرار دادن «انسان»، هرگونه تجاوز به حریم هستی و طبیعت را مجاز می‌شمارند! در واقع می‌توان گفت تطور اندیشه متفکرانی چون دکارت و بیکن بود که تجاوز سیستماتیک به طبیعت و ساخت بمب‌ها و راکت‌های پیشرفته نظامی را ممکن کرد. بمب اتم نه تنها در شرق ساخته نمی‌شود بلکه حتی به ذهن انسان شرقی خطور هم نمی‌کند! چینی‌ها نخستین کسانی بودند که باروت را کشف کردند اما هرگز از آن بهره‌برداری نظامی نکردند! تفاوت بنیادین شرق و غرب در طرحی که از نظام هستی ارائه می‌دهند، بسیار آشکار است و باتوجه به این نکته که هر موضع بنیادین نسبت به «هستی» ناگزیر در سایر حوزه‌ها نیز تسری می‌یابد (البته این گزاره قابل مناقشه است اما از آنجا که اثبات آن یادداشتی دیگر می‌طلبد، از اثبات آن گذر کرده به بیان نکاتی اکتفا می‌کنیم. نزاع‌هایی نظیر وجود یا عدم وجود اقتصاد اسلامی نیز به صدق یا کذب این گزاره بستگی دارند) جدال میان شرق و غرب در تمامی حوزه‌ها رخ خواهد داد. طرحی که کنفوسیوس از عالم ارائه می‌دهد هیچ نسبتی با سیاست جهان مدرن ندارد و طرح بودا به نسل کشی نمی‌انجامد. هر موضع بنیادین نسبت به «هستی» طرح خاصی را در تمامی حوزه‌ها موجب می‌شود حتی اگر خودش این قوه را انکار کند زیرا موضع او نسبت به «هستی» بوده است فلذا نسبت به هر آنچه که «هست» موضعی خواهد داشت!

در زمانه‌ی کنونی بسیاری از کشورهای شرقی به واقع در «غرب» عرفانی زیست می‌کنند؛ نظام سیاسی و اقتصادی چین دیگر بویی از تفکر کنفوسیوس یا لائوتزه نبرده است. در هند خبری از «حضور» آیین‌های عرفان شرقی نیست. در ژاپن تفکر معنوی، که روزگاری در سامورایی‌ها تجلی یافته بود، دفن شده است. کشورهای شرقی دیگر شرقی نیستند! باید توجه داشت باقی ماندن یکسری آیین‌های بی‌روح که هیچ گونه جریان و «حضور» در زیست اجتماعی افراد ندارند، کشور را شرقی نمی‌کند. سنت شرقی می‌بایست توسط انسان تنفس شود. اینکه مثلا در ژاپن رسم و رسوماتی هم‌چنان برپاست یا در چین سال‌ها به صورت خاصی

برگزار می‌شود حاکی از زنده بودن سنت شرقی نیست بلکه بیش‌تر موید مرگ آن است! سنت شرقی از زیست انسان شرقی جدا شده است و تنها در مواقعی از سال انسان به ملاقات این پیر فرتوت، سنت، می‌رود. (در این بیان چه بسا همه کشورهای مصداق غرب شده باشند؛ مدرنیته تمام جهان ما را بلعیده و هر نوری که رایحه خورشید داشته باشد کشته است.) از همین جهت اختلافات یا نزاعی که گهگاه میان چین یا ژاپن با کشورهای غربی صورت می‌گیرد به هیچ‌وجه از جنس نزاع شرق و غرب نیست بلکه نزاعی است میان غرب با غرب!

در این میان ایران موقعیت خاصی دارد. انقلاب سال پنجاه و هفت ایران به حقیقت انقلابی شرقی در مفهوم عرفانی کلمه بود و به همین سبب اعجاب جهان غربی را برانگیخت. ایران اسلامی از دریچه انقلاب بار دیگر هویت شرقی خود را که سال‌ها در زیر چکمه‌های نظام پهلوی لگدمال می‌شد، بازپس گرفت. ایران در سال پنجاه و هفت از غرب به شرق کوچ نمود و همین کوچ بود که در قالب انقلاب نمود یافت! بسا همه‌ی این‌ها ما هرگز امکان مذاکره را نفی نمی‌کنیم بلکه گوشزد می‌کنیم که اگر ایران بخواهد در وفاداری به انقلاب اسلامی و صدالبته هویت چندهزار ساله‌اش (ایران از پیشگامان تفکر شرقی بوده است) حقیقتا شرقی بماند نزاع و تنش با «غرب» و مصادیقش ناگزیر است. صلح مطلق میان کشوری شرقی همچون ایران با غرب محقق نخواهد شد مگر آنکه یا ما دیگر شرقی نباشیم (همانگونه که ژاپن دیگر شرقی نیست) یا غرب دیگر غرب نباشد! در اینجا مذاکره نفی نمی‌شود بلکه سخن ناظر به هدف مذاکره است. مذاکره می‌تواند در شرایطی نه تنها جایز بلکه واجب باشد اما دلخوش کردن به مذاکرات برای صلح و خاموشی هرگونه تنش، چیزی جز رویایی کودکانه و بوالهوسانه نیست. ایران اگر می‌خواهد تمامی تنش‌ها و نزاع‌ها با غرب را فروبنداند می‌بایست ایرانیت خود را ذبح نماید زیرا ایران چنان با تفکر اشراقی عجین شده است که گویی بدون آن دیگر ایران نیست. همانطور که هانری کربن قطب کنونی حکمت اشراق را ایران زمین می‌داندست و یا لیلی عشقی انقلاب اسلامی را بازگشت به ایران از دست رفته توسط پهلوی تفسیر می‌کرد. بر این اساس نزاع ما با آمریکا به عنوان مصداق تام غرب اگر به درستی صورت‌بندی شود ذاتا با نزاع اروپایی‌ها یا چین و ژاپن با آمریکا متفاوت است. نزاع میان ما، تجلی خصومت دو طرح از هستی است، خصومت میان دو شیوه تفکر و زندگانی است، نزاع میان دو تمدن است! البته بنده به خوبی واقف هستم ایران نیز راه بسیاری برای رسیدن به وصف «شرقی» پیش‌رو دارد زیرا

همانطور که پیش از این عرض شد در دنیای کنونی، کشورها چنان تحت سیطره مدرنیته و دستاوردهایش قرار گرفتند که کمابیش همه کشورهای مصداق غرب هستند. با این حال کشوری که سال‌ها در سنت شرقی زیست کرده، از سردمداران حکمت اشراقی بوده است و به لطف انقلاب اسلامی (که حقیقتا انفجار «نور» بود) هویت شرقی خود را بازپس گرفته است نمی‌تواند به راحتی دست دوستی با کشوری که از هر حیث مصداق تام و تمام غرب است دراز کند، به عبارتی آنجا که مطلع خورشید است را با قاتلان خورشید کاری نیست!

# یک کربلای واقعی

• حسین بهرامی - کارشناسی علوم سیاسی

عملیات گفته است با یکی از مقامات نظامی عراق به نام وقیق سسامرایی که در شمال عراق پناهنده شده است صحبت کردیم و او گفت عکس های ماهواره ای از واشنگتن به دست من می رسد و من شخصا آن را به صدام میدادم.

یک بحران ایجاد شده بود. فرماندهان می دانستند لغو این عملیات یعنی پذیرفتن شکست، چرا که امکان نگه داشتن تعداد زیادی نیرو در جبهه تقریباً غیر ممکن بود و امکاناتی که در شرایط تحریم بدست آمده بود هدر میشد و همچنین به عقب نشینی و دادن دست برتر به دشمن ختم میشد.

با این وجود عملیات شروع شد. هدف گیری دقیق دشمن و نشانه گیری محل تجمع نیروها و امکانات و بمباران های هدفمند نشان از اطلاعات زیاد دشمن بود یا به عبارتی لو رفتن صد درصدی عملیات!

بعد از چهار ساعت دستور لغو عملیات صادر شد. این عملیات تلفات سنگینی بر جای گذاشت. دولت عراق هم از پیروزی بدست آمده بسیار خوشحال شد تا جایی که صدام به فرماندهانش مرخصی داد. در همین حین بود که فرماندهان مجدداً جلسه ای را ترتیب دادند تا عملیات دیگری را اجرا کنند که جبرانی برای عملیات

در همان زمانی که ایران برای شروع عملیات خود را آماده میکرد عراق به بخش های غربی ایران حمله کرد و مهران را تصرف کرد و خواستار مذاکره و معاوضه شد. (مهران در برابر فاو)

در این دوره مک فارلین یکی از نیروهای آمریکایی به تهران آمد و یک جلسه مخفیانه با سران انقلاب تشکیل داد و به امام پیشنهاد داد که اگر شرایط ما را قبول کنید ما حاضریم از شما حمایت کنیم. اما امام نپذیرفت و بعد ها که این جلسه رسانه ای شد، صدام از آمریکا برای این ملاقات با امام دلگیر شد. آمریکا برای دلجویی از صدام کمک های اطلاعاتی زیادی به عراق کرد که تاثیرات زیادی در عملیات داشت.

نام آزاد سازی مهران کربلای ۱ بود و دو عملیات به نام کربلای ۲ و ۳ در اسکله البکر و الامیه عراق انجام شد و اسم عملیات والفجر ۱۰ به کربلای ۴ تغییر یافت. یک ماه مانده به عملیات، نشانه هایی از لو رفتن عملیات آشکار شده بود و روز به روز این نشانه ها پررنگتر میشد. بین فرماندهان این بحث مطرح بود که غافلگیری موثر نیست و انتقال دادن خیل امکانات به محل مورد نظر یعنی لو رفتن قضیه. محسن رضایی فرمانده سپاه وقت و فرمانده این

۳۴ سال پیش در چنین روزهایی بود که عملیات کربلای ۴ در محور ابوالخصب در جنوب عراق به فرماندهی سپاه پاسداران آغاز شد که به شکست نیروهای ایرانی انجامید و از آن زمان تا به امروز سوالاتی را در اذهان عمومی به وجود آورد؛ مانند:

۱. آیا این عملیات ایدئایی بوده یا عملیات واقعی و اصلی بوده است؟

۲. آیا این عملیات لو رفته بود و اگر لو رفته بود علت اجرای آن چه بوده است؟

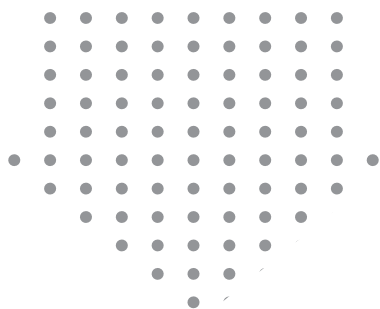
لازم است تمامی روایت هایی که از زبان فرماندهان درباره این عملیات گفته شده را بررسی کنیم.

یک سال قبل از عملیات کربلای ۴، عملیات والفجر انجام شد که طی آن ایران توانست شهر فاو را تصرف کند. سپس فرماندهان به این نتیجه رسیدند که یک عملیات بزرگ به نام والفجر ۱۰ اجرا شود که طرح آن به گونه ای باشد که در این عملیات اگر امکانات فراهم باشند بتوانند حدود ۱۰۰ هزار اسیر ۱۰۰ تانک و نفربر به غنیمت بگیرند و مقدماتی برای فتح بصره شود. شلمچه دروازه ورود به بصره بود و صدام با استفاده از نیرو های زبده جهانی به ویژه روسیه پیچیده ترین موانع را در برابر ایران قرار داده بودند.





## کتاب شناسی



قبلی باشد. اجرای عملیات جدید با مخالفت ها و موافقت هایی مواجه بود. به هر صورت عملیات کربلای پنج آغاز شد و ایرانیان توانستند خط شلمچه را بشکنند و وارد آن شوند. صدام هم که در این دوره به عربستان رفته بود با این خبر به عراق بازگشت و به فرماندهانی که مرخصی گرفته بودند دستور داد تا بازگردند. در نهایت نتیجه این عملیات با پیروزی نیروهای ایرانی همراه بود. بعد از این عملیات بود که قطعنامه ۵۹۸ صادر شد و اولین قطعنامه ای بود که در آن مرز های بین المللی به رسمیت شناخته شد.

حال برگردیم به دو سوال اصلی مان درباره این عملیات. در پاسخ به سوال اول باید گفت این عملیات به هیچ عنوان ایذایی نبود بلکه عملیات اصلی بود چرا که برای این عملیات امکانات و هزینه های زیادی صرف شده بود. همچنین حضور چند لشکر در این عملیات را مشاهده میکنیم و میزان تلفاتی که در این عملیات بوده است حاکی از یک عملیات ایذایی نیست. حتی شهید والا مقام حاج قاسم سلیمانی در گفت و گو با برنامه حالا خورشید اذعان کردند که کربلای ۴ یک عملیات اصلی بوده و ایذایی نبوده است.

در پاسخ به سوال دوم باید گفت طبق گفته اکثر فرماندهان و شواهدی مانند هدف گیری و بمباران دقیق و اطلاعات زیاد دشمن و اعتراف و قیق السامرابی نشان دهنده این است که عملیات کاملا لو رفته بود.

حال علت اجرای آن چه بود؟ همان طور که در بالا گفته شد ایران در آن دوره زمانی تحریم بوده و امکانات و ادوات جنگ را با مشکل جمع آوری میکرده و برای این عملیات بسیار هزینه کرده است و اگر این عملیات به مرحله اجرا در نمی آمد این هزینه ها هدر می شد. علت دوم این بود که برخی از فرماندهان معتقد بودند که در همه ی عملیات ها میزانی از لو رفتگی وجود دارد و این نباید مانع انجام عملیات باشد.

سوالی که پیش می آید این است که آیا این هزینه و امکانات به قدری مهم بود که جان تعداد زیادی از رزمندگان به خطر بیفتد و به روایتی ۶ هزار نفر به شهادت برسند و حدود ۷ هزار نفر مجروح بشوند.

در پاسخ به عامل بعدی، باید گفت میزانی از لو رفتگی با لو رفتگی کامل بسیار متفاوت است. وقتی تمامی شواهد و مدارک نشان دهنده لو رفتگی کامل است نباید به سمت اجرا عملیات طبق نقشه تعیین شده برویم چون طبیعتا دشمن نقشه ما را از قبل میدانند و اجرای آن باعث خسارات جانی و مالی میشود که متاسفانه همین هم اتفاق افتاد و غواصانی با دست بسته به درگاه پروردگارشان بال و پر گشودند

نمی آورد. بلکه پرده از حقایق برمی دارد که هر منصفی را به فکر وامی دارد.

ماجرای سقیفه یکی از حقایق مسلم تاریخی است که در اصل آن اختلافی میان شیعه و اهل تسنن وجود ندارد. کتاب حاضر، واگوییهای روان به همراه تحلیل جریان سقیفه به روایت عامه است که با پرداختن به زوایای پنهان از منظر شیعه، پرده از اسرار سر به مهر آن برمی دارد.

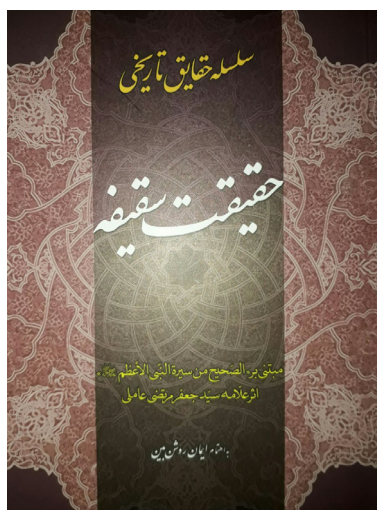
منبع اصلی نگارش این کتاب، بخش هایی از جلد ۳۳ کتاب ارزشمند «الصحيح من سيرة النبي الاعظم (ص)» اثر دانشمند گران قدر علامه سیدجعفر مرتضی عاملی است که درسی و پنج جلد، با رعایت ترتیب تاریخی و شیوهی سال شماری، به تبیین سیره و زندگانی رسول خدا(ص) از تولد تا شهادت می پردازد.

عناوین مهم در فهرست کتاب عبارتند از:

۱- پیش از سقیفه ۲- ماجرای سقیفه به روایت سقیفه باوران ۳- زوایای پنهان سقیفه از منظر روایات شیعی ۴- تحلیل وقایع

همچنین برخی از منابع استفاده شده در نگارش کتاب عبارتند از:

البدایه النهایه، تاریخ یعقوبی، السیره النبویه ابن کثیر، الفتوح ابن اعثم کوفی



## حقیقت سقیفه

سلسله حقایق تاریخی مبتنی بر «الصحيح من سيرة النبي الاعظم (ص)»

اثر علامه سید جعفر مرتضی عاملی

مؤلف: ایمان روشن بین

محل نشر: تهران

ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲

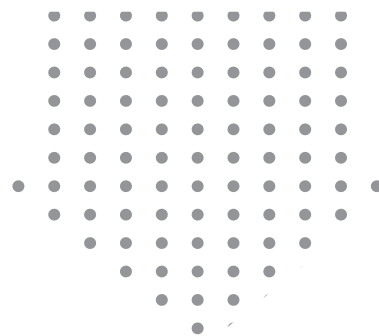
تعداد صفحات: ۸۷

اتفاقی که در سقیفه بنی ساعده رخ نمود و دامنه ی آن که امتداد یافت، مطلب غیرقابل انکاری است که حتی سقیفه باوران نیز زوایایی از آن را نقل نموده اند.

آنچه در این میان مهم است تحلیلی است که از این وقایع صورت می گیرد. تحلیل سقیفه باوران از وقایع سقیفه منجر به مشروعیت خلافت ابوبکر می شود. اما، تحلیل صحیح از همان وقایع منقول سقیفه باوران نه تنها مشروعیتی بر خلافت خلیفه به وجود



ما را در فضای مجازی دنبال کنید



به وسیله بارکد خوان اسکن کنید

